

تحلیل ثانویه تحقیقات موجود درباره شبکه اجتماعی فیس بوک، جوانان ایرانی و نظم جامعه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۱

صمد عدلی پور*

سید احمد میرمحمدتبار**

بهجت یزدخواستی***

چکیده

در جوامع معاصر، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث تغییر و تحولات چشمگیری در مسائل اجتماعی و فرهنگی شده‌اند. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل ثانویه، ۲۱ اثر پژوهشی را که طی چند سال اخیر در زمینه شبکه اجتماعی فیس بوک انجام شده، مبنای تحلیل قرار داده است. هدف نوشتار حاضر، شناسایی میزان و نوع تغییراتی است که به واسطه حضور و تعامل در فیس بوک بر هویت، سبک زندگی، ارتباطات و تعاملات اجتماعی و دین داری جوانان ایجاد شده است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که جوانان ایرانی در خلال تعامل و استفاده از فیس بوک در معرض تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته‌اند. به واسطه استفاده از فیس بوک، هویت‌های مدرن و بازاندیشانه رشد کرده و این وضع به کاهش هویت ملی، هویت سیاسی و فرهنگی منتهی شده است. استفاده از فیس بوک عاملی اساسی در افزایش تعاملات اجتماعی و سرمایه اجتماعی کاربران است. همچنین فیس بوک سبک‌های زندگی جوانان را به شیوه‌های جدید زندگی دیجیتال پیوند زده و باعث توجه بیشتر جوانان به بدن خود و تغییر نحوه گذران اوقات فراغت کاربران شده است. علاوه بر این، بین استفاده از فیس بوک و کاهش هویت دینی، پابندی دینی و اعتقادات دینی کاربران جوان همبستگی معناداری وجود دارد. در نهایت می‌توان گفت نتایج به دست آمده اشاره به وقوع یک مشکل یا مسئله اجتماعی در زمینه هویت ملی، هویت سیاسی و فرهنگی و پابندی دینی به واسطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی دارد.

واژگان کلیدی

شبکه‌های اجتماعی مجازی، فیس بوک، نظم جامعه، هویت، دین داری، سبک زندگی، سرمایه اجتماعی

Samadadlipour@gmail.com

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

Ahmad_mirtabar@yahoo.com

** کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران

B.yazdkhasti@ltr.ui.ac.ir

*** دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان

۱- بیان مسئله

در عصر حاضر، همه جوامع به درجات متفاوت با ظهور و گسترش رسانه های نوین مواجه شده اند. پدیدار شدن مفاهیمی همچون عصر اطلاعات، دوره پرستش اطلاعات، جامعه شبکه ای و فضای مجازی بر این واقعیت دلالت دارد که فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی همچون شبکه های اجتماعی مجازی، صورت بندی جدیدی از حیات اجتماعی را پدید آورده اند. این امر تا آنجا پیش رفته که در حال حاضر ظرفیت تولید، توزیع و مدیریت اطلاعات به یکی از شاخص های قدرت ملی و معیار رتبه بندی کشورها تبدیل شده است.

جامعه ایران نیز از این تحولات بی بهره نبوده است. امروزه در ایران استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی همچون فیس بوک^۱ به رغم پالایه (فیلتر) بودن آن ها به یک واقعیت انکارناپذیر تبدیل شده است. شبکه های اجتماعی مجازی از زمان ظهور در اواخر دهه ۹۰، در روند تکاملی خود تا سال ۲۰۰۳ و تاکنون به واسطه ایجاد امکان برقراری ارتباط سریع هم زمان و ناهم زمان، دسترسی به حجم زیادی از اطلاعات و انتشار گسترده آن کاربردهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بسیاری را در این زیست جهان جدید رقم زده و توجه میلیون ها کاربر را از سراسر دنیا به خود جلب نموده اند. چنان که نتایج یک نظرسنجی در ۲۴ کشور جهان در سال ۲۰۱۰ نشان می دهد در سراسر جهان به طور متوسط از هر ۱۰ نفر کاربر اینترنت، ۶ نفر از شبکه های اجتماعی مجازی بازدید می کنند. در این راستا استقبال کاربران ایرانی نیز از شبکه های مذکور روند قابل توجه و تأملی را نشان می دهد. مطابق آمار الکسا^۲، شبکه اجتماعی فیس بوک یکی از ۱۰ سایت برتر مورد استفاده ایرانیان در فضای وب است. بدون تردید این میزان اقبال به شبکه های اجتماعی مجازی و علاقه به تداوم تعامل های شبکه ای با وجود ممنوعیت قانونی دسترسی کاربران به برخی از این شبکه ها قابل تأمل و بررسی است.

شبکه های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از جدیدترین فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی ارائه دهندگان فضای جهانی در حوزه های متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستند که به کاربران برای حفظ روابط اجتماعی موجود، پیدا کردن دوستان جدید، تغییر و تکامل وب گاه ها و سهم شدن در تجربه ها کمک می کنند و زمینه

عضویت، فعالیت و مشارکت هدفمند کاربران را فراهم می‌آورند (Massari, 2010, p.1). این شبکه‌های مجازی با کارکردهای مختلف، سازمان‌دهی خدمات و تلفیق ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی فعل و انفعال‌های غیرخطی را ترویج داده، کاربردها و محتوای وب را برای کاربران ساده نموده و با جذب میلیون‌ها نفر از سراسر دنیا با انگیزه‌های متنوع جامعه مجازی را پیش از پیش متصور می‌سازند. مشارکت جوانان در آن‌ها نیز هر روز رو به افزایش است و گفته می‌شود به یکی از رسانه‌های ارتباطی ارجح به‌ویژه برای جوانان تبدیل شده‌اند (Pelling & White, 2009, p.1).

ویژگی‌های خاص دوره نوجوانی و جوانی همچون نیاز به کسب هویت شخصی و اجتماعی، بروز خود واقعی و تخلیه عاطفی، تفریح و سرگرمی، احیای ارتباطات و دوستی‌های قدیمی و دوران کودکی و مدرسه، ایجاد و حفظ روابط دوستانه جدید، تنوع‌طلبی و گرایش به همگام شدن با نوآوری‌های جهانی (ذوالقدر و قاسم‌زاده عراقی، ۱۳۹۲؛ شهابی و بیات، ۱۳۹۱) از جمله زمینه‌هایی است که مطلوبیت و انگیزه استفاده از این رسانه را در بین جوانان ایرانی شدت می‌بخشد.

از آنجاکه جوانان بخش مهمی از سرمایه انسانی جامعه را تشکیل می‌دهند، تغییرات اجتماعی - فرهنگی این نسل از این ظرفیت برخوردار است که منشأ دگرگونی‌هایی در دیگر سطوح جامعه باشد. از این رو، شناخت این‌که آنان چگونه از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند و از آن تأثیر می‌پذیرند، به یک دغدغه مهم تبدیل می‌شود. در این راستا این پرسش مطرح می‌شود که آیا استفاده جوانان از شبکه‌های اجتماعی مجازی موجب فاصله گرفتن آن‌ها از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، افول پایبندی دینی، دگرگونی‌های هویتی و سبک زندگی و کاهش ارتباطات اجتماعی مستقیم و رودررو و افزایش انزوای اجتماعی خواهد شد؟

از آنجاکه وقوع چنین تغییراتی ممکن است نقش تعیین‌کننده‌ای بر فرایند تربیت اجتماعی و کیفیت تعامل جوانان با جامعه داشته باشد، می‌تواند شالوده‌های نظم اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این، مطالعه آثار و پیامدهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی شناخت ما را نسبت به خرده‌فرهنگ جوانان افزایش می‌دهد. از این رو، مطالعه جامعه‌شناختی اثرات و پیامدهای استفاده از این شبکه‌های

اجتماعی اینترنتی حائز اهمیت است. پاسخ‌گویی عالمانه به این مهم نیازمند پژوهش‌های مستمر و دقیق است. خوشبختانه طی چند سال گذشته درباره شبکه‌های اجتماعی مجازی تحقیقات متعددی انجام شده، اما اغلب آن‌ها بر یک جنبه خاص آن تمرکز داشته‌اند.

پژوهش حاضر با تکیه بر یک رویکرد اکتشافی و با تلفیق و ترکیب یافته‌هایی که طی چند سال اخیر به دست آمده، درصدد است تصویری کلی از کیفیت و نوع پیامدهای استفاده جوانان از شبکه اجتماعی فیس‌بوک ارائه دهد. با توجه به نکات فوق، هدف نوشتار حاضر پاسخگویی به پرسش‌های زیر سؤال است:

❖ استفاده از فیس بوک چه تغییرات و تأثیرات بر هویت، سبک زندگی، سرمایه اجتماعی و دین‌داری جوانان گذشته است؟

انتظار می‌رود پاسخگویی به این پرسش‌ها، آگاهی از شیوه بهره‌مندی و اثرپذیری جوانان از شبکه‌های اجتماعی مجازی را افزایش دهد و در زمینه شناخت پیامدهای آن برای نظم اجتماعی مفید باشد.

۲- چارچوب مفهومی

۲-۱. شبکه‌های اجتماعی مجازی

پیشرفت در فناوری اطلاعات راه و روش انسان را در ثبت و ضبط تاریخ تغییر داده است، این تغییر بر نحوه تعامل افراد با یکدیگر نیز اثرگذار بوده است. شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین این ابزارها، با قابلیت‌ها و امکانات خود نه تنها تأثیر عمیقی بر جنبه‌های اجتماعی کاربران در جوامع گوناگون گذارده، بلکه در زمینه‌های مختلف کاربرد فراوان یافته است. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آن‌ها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید جستجو کنند. بر اساس تعریفی دیگر، شبکه‌های اجتماعی، خدمات برخطی هستند که به افراد اجازه می‌دهند در یک سیستم مشخص و معین پروفایل شخصی خود را داشته باشند،

خود را به دیگران معرفی کنند، اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند و با دیگران ارتباط برقرار کنند. از این طریق افراد می‌توانند ارتباطشان با دیگران را حفظ کرده و همچنین ارتباط‌های اجتماعی جدیدی را شکل دهند (Boyd & Ellison, 2007, p.12). در واقع، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده‌اند. به طور کلی از طریق اطلاعاتی که بر روی پروفایل افراد قرار می‌گیرد، مانند عکس کاربر، اطلاعات شخصی و علایق (که همه این‌ها اطلاعاتی را در خصوص هویت فرد فراهم می‌آورد) برقراری ارتباط تسهیل می‌گردد. کاربران می‌توانند پروفایل‌های دیگران را ببینند و از طریق برنامه‌های کاربردی مختلف مانند ایمیل و چت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (Pempek et al., 2009, p.228).

یکی از پرکارترین شبکه‌های اجتماعی مجازی که بیش از یک میلیارد عضو دارد فیس‌بوک است که توسط سازنده جوان خود «مارک زاکربرگ»^۲ در چهارم فوریه سال ۲۰۰۴ راه‌اندازی شد. در این پایگاه اینترنتی می‌توان با دوستانی که دارای حساب کاربری در فیس‌بوک هستند، عکس، فیلم یا پیغام به اشتراک گذاشت. این پایگاه هم‌اکنون از نظر تعداد کاربر عضو و نیز از نظر کارشناسان و در یک جمله در زمینه کاری خود، پایگاه شماره یک جهان محسوب می‌شود. محیط فیس‌بوک در واقع مجلسی از دوستان و آشنایان یک کاربر به شمار می‌آید. این پایگاه با ارائه امکان عضوگیری در تعداد بالا، به کاربران اجازه می‌دهد تا در هر لحظه دوستان جدیدی را به مجموعه خود اضافه کنند. کاربران در شبکه اجتماعی فیس‌بوک به‌عنوان یک عضو، می‌توانند عکس‌های خود را به اشتراک بگذارند، پیغام بفرستند، عکس‌ها را برای خود و دیگران علامت‌گذاری کنند، روی وال‌های خود و دیگران مطالبی بنویسند، عضو گروه‌ها شوند، گروه جدیدی ایجاد کنند، ایده‌های خود را در بحث‌های گروهی به اشتراک بگذارند، انواع درخواست‌ها را بدهند و بپذیرند و در فیس‌بوک بازی کنند. همچنین، فیس‌بوک توجه محققان را در زمینه‌های مختلفی چون الگوهای فعالیت کاربران در داخل و خارج شبکه، هویت‌های داخل شبکه، ظرفیت‌های فناورانه ارتباطات اجتماعی و الگوهای فرهنگی به خود معطوف ساخته است.

۲-۲. هویت

دو معنای اصلی هویت، تمایز و تشابه مطلق است. جنکینز (۱۳۹۱، ص ۵) هویت را این‌گونه تعریف می‌کند: «هویت ریشه در زبان لاتین و دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن مفهوم تشابه مطلق را بیان می‌کند؛ این با آن مشابه است. معنای دوم آن تمایز است که با مرور زمان، سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، به مفهوم شباهت از دو زاویه مختلف راه می‌یابد. مفهوم هویت، هم زمان میان افراد یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد؛ شباهت و تفاوت». در واقع، هویت مجموعه معانی است که چگونه بودن را در خصوص نقش‌های اجتماعی به فرد القا می‌کند و یا وضعیتی است که به فرد می‌گوید او کیست و مجموعه معانی را برای فرد تولید می‌کند که مرجع کیستی و چیستی او را تشکیل می‌دهد.

یکی از جنبه‌های مهمی که از رسانه‌های جمعی جامعه اطلاعاتی تأثیر می‌پذیرد، هویت است. در سال‌های اخیر، فضای مجازی به عنوان یکی از ابزارهای بازسازی و بازنمایی و توسعه هویت در نظر گرفته شده است و منجر به گسترش سؤالاتی در باب میزان بازاندیشی مردم در مورد هویت‌هایشان شده است. به عبارتی، فضای مجازی فرصت طراحی هویت را به فرد می‌دهد (Turkel, 1997, p.25). هویت‌های برساخته منتج از فضای مجازی، به دلیل پویایی و سیالیت و پیچیدگی روابط و زندگی، خود نیز سیال، متغیر و نسبتاً موقتی هستند. همچنین فضای مجازی به دلیل گسترش روابط اجتماعی و تعلقات گروهی مبنایی برای تولید و بازتولید هویت‌های متکثر می‌شود و همان‌طور که وارد (۱۳۸۴) می‌گوید: فناوری ارتباطی صورت‌بندی‌های جدیدی از فردیت را به بار آورده است.

۲-۳. سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی یکی از پر دامنه‌ترین مفاهیم حوزه علوم اجتماعی است که الگویی از اندیشه‌ها، احساسات، شناخت‌ها و کنش‌هاست که در مجموع هویت اجتماعی و شخصی فرد را می‌سازد و به معنی نحوه ساماندهی زندگی برای تحقق نیازها و خواسته‌ها با به کارگیری مجموعه‌ای از رفتارهاست.

معمول شدن بی‌پایان و رو به رشد فناوری‌های نوین در زندگی روزمره افراد، ازدیاد شیوه‌های جدید در دسترس برای کنش و شیوه‌های برقراری ارتباط و دستیابی به اطلاعات، طیف ابزاری را که افراد از طریق آن‌ها فرهنگ، سبک زندگی و هویت‌های روزمره خود را می‌سازند، گسترش داده است. در میان فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی، شبکه‌های اجتماعی مجازی را می‌توان به‌عنوان ابزار مناسبی برای تحلیل فرایند دگرگونی‌ای تلقی کرد که به‌طور هم‌زمان شامل افراد (زندگی روزمره، فرهنگ، سبک زندگی و هویت)، اطلاعات و فناوری‌های اطلاعاتی است. در واقع، در دنیای امروز، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به محلی برای حضور اقشار مختلف جامعه به‌ویژه جوانان و مکان تبادل آرا و افکارشان و تأمین نیازهای متناسب با زندگی اجتماعی آنان تبدیل شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی علاوه بر اینکه مرجع تأمین بسیاری از نیازهای فرهنگی و اجتماعی اعضای خود هستند، این امکان را برای اعضا فراهم می‌کنند که هم‌زمان با انجام سایر فعالیت‌های اجتماعی از طریق کامپیوتر یا تلفن همراه، فعالیت خود را در این جوامع مجازی پیگیری کنند. در همین زمینه جسیکا هیلبرمن^۴ (۲۰۰۹) معتقد است «امروزه بسیاری از جوانان به فعالیت‌های اجتماعی شبکه‌ای اشتغال دارند و برای ساختن زندگی خود از روابط و مناسبات اینترنتی استفاده می‌کنند. فعالیت در شبکه‌های اجتماعی دربرگیرنده همه ابعاد زندگی است». در واقع، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، سبک‌های زندگی جوانان را بیش از سبک‌های زندگی سایر گروه‌های سنتی تغییر داده‌اند. بنابراین یک مسئله جالب توجه این است که جوانان چگونه سبک زندگی خود را در عرصه شبکه‌های اجتماعی می‌سازند؟

۲-۴. سرمایه اجتماعی

ایده محوری سرمایه اجتماعی را می‌توان در واژه «رابطه» خلاصه کرد. اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر و پایدار ساختن این ارتباط قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند و به این طریق چیزهایی کسب می‌کنند که به تنهایی قادر به کسب آن‌ها نیستند و یا با دشواری بسیار موفق به کسب آن‌ها می‌شوند. انسان‌ها از طریق مجموعه‌ای از شبکه‌ها به هم متصل می‌شوند و با گسترش شبکه‌های ارتباطی آن‌ها، نوعی دارایی برایشان ایجاد می‌شود

که می‌توان آن را با نام سرمایه اجتماعی مورد ملاحظه قرار داد. هرچند که استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی یا به طور کلی فضای مجازی دارای آثار و پیامدهای مختلف است، اما در این قسمت به اختصار به بیان برخی از تأثیرات احتمالی آن‌ها بر سرمایه اجتماعی اکتفا می‌شود. دیدگاه‌های مربوطه در سه گروه قابل تفکیک هستند.

(۱) اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی افزایش دهنده سرمایه اجتماعی است: امروزه بسیاری از محققان بر این باورند که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی مرزهای فضا و زمان را در هم شکسته و دگرگونی عظیمی در تعاملات اجتماعی و مشارکت‌های مدنی فراتر از همبستگی‌های محلی و گروهی ایجاد کرده که بر اساس پیوند شبکه‌های مبتنی بر منافع اجتماعی است (Wellman & Quan-Hasse, 2002, p.2). اینترنت با ایجاد اشکال جدید در تعاملات انسانی، فراهم آوردن زمینه و فضای ملاقات برای افراد دارای علایق مشترک، غلبه بر مرزهای زمان و مکان، ترویج گفتگوی آزاد و دموکراتیک در فضاهای اینترنتی، تقویت اقدام‌های دسته‌جمعی و غیره، در واقع تجدید و بازسازی حیات اجتماعی را در دستور کار دارد. از این دیدگاه اینترنت نه تنها فرصت تماس با دوستان و خویشان را با هزینه‌های اندک فراهم می‌کند، بلکه با آگاهی اعضای شبکه از نیازهای یکدیگر، به سهم خود ارتباطات رو در روی افراد و حتی مشارکت‌های سازمانی را در جامعه افزایش می‌دهد.

(۲) اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی کاهش‌دهنده سرمایه اجتماعی است: برخی محققان در زمینه اثرات اینترنت و جهان مجازی روی ارتباطات انسانی و سرمایه اجتماعی خوش بین نبوده و بیشتر به بدبینی گرایش دارند. آن‌ها حتی اینترنت را بیش از هر رسانه دیگری به‌عنوان فاسدکننده و پوچ‌کننده زندگی روزمره مطرح می‌کنند؛ زیرا اینترنت، افراد و سازمان‌ها را به فضای مجازی هدایت می‌کند که این فضا در مقابله با واقعیت قرار دارد (اسلوین، ۱۳۸۰، ص ۴۷). به نظر این پژوهشگران استفاده از اینترنت مانع توجه افراد به اجتماع واقعی می‌شود و تعاملات شبکه‌ای مردم از میزان ارتباطات حضوری و مستقیم آن‌ها پیشی می‌گیرد؛ اما این پیوندهای اینترنتی به‌ندرت به ترویج دوستی‌های عمیق، حمایت‌های عاطفی اثرگذار و ارائه کمک‌های مادی واقعی منتهی

می‌شود. از این منظر، کار با اینترنت نه تنها زمان پرداختن به سایر فعالیت‌ها را کاهش می‌دهد بلکه توجه افراد را از محیط اطراف خود نیز بازمی‌دارد (Williams, 2006, p.4).

۳) اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی بازتاب‌دهنده سرمایه اجتماعی است: به نظر گروهی از محققان، شبکه‌های اجتماعی که از طریق کامپیوتر حمایت می‌شوند، جامعه واقعی را از بین نمی‌برند بلکه به صورت عکس‌العملی و بازتابی عامل توسعه انواع جوامعی هستند که در جهان گسترش یافته، متداول و شایع شده است. مردم اینترنت را برای حفظ تماس‌های اجتماعی موجود خود به کار گرفته و با اضافه کردن تماس‌های الکترونیکی به تماس‌های حضوری یا تلفنی خود، همان سرگرمی‌ها و علایق سیاسی دنیای واقعی خود را به صورت برخط نیز ادامه می‌دهند. رویکرد سوم، جهان مجازی را کم‌وبیش نوعی بازتاب و انعکاس از دنیای واقعی می‌داند و در این راستا سرمایه اجتماعی افراد در زندگی واقعی، سرمایه اجتماعی آن‌ها را در همان حد و اندازه، در دنیای مجازی شکل خواهد داد. از این چشم‌انداز، قاعدتاً از جامعه‌ای که اعضای آن سرمایه اجتماعی واقعی اندکی دارند نباید انتظار داشت که در جهان مجازی و فضای سایبری، سرمایه اجتماعی بالایی داشته باشند.

۲-۵. دین‌داری

شبکه‌های اجتماعی مجازی با ویژگی‌ها و قابلیت‌های خود، زندگی کاربران خود به ویژه جوانان را تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را با موج گسترده‌ای از ارتباطات و اطلاعات مواجه ساخته‌اند و عرصه‌ای مناسب برای تحلیل و بررسی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اجتماعی و فردی کنشگران از جمله دین‌داری، در اختیار کاربران قرار می‌دهد. اطلاعات و مطالبی که بر روی پروفایل (نمایه) و وال‌های کاربران این شبکه‌های مجازی قرار می‌گیرند، می‌توانند بستر مناسبی برای سنجش مؤلفه‌های فرهنگ، باورها، عقاید و دیدگاه‌های افراد در زمینه‌های مختلف در یک جامعه باشند.

دین و دین‌داری، اگر قبلاً تنها از بعد معنابخشی، معنای یکسان و مفروض در نزد همگان داشت و بررسی تفاوت در برداشت‌ها و انواع دین‌داری موقوف به بررسی اشکال حضور دین در زندگی روزمره آن‌ها بود، فضای مجازی و امکان بروز ادراک

شخصی از مقوله دین و ایمان، فرصت را به وجود آورد که با بازنمایی های ذهنی تر و متکثرتر از اشکال دین داری مواجهه و این تنوع را به صورتی گسترده تر و عمیق تر دریابیم. در واقع، شبکه های اجتماعی مجازی در بررسی این مقوله، مفردی مناسب جهت آشنایی با انواع دین داری در زندگی روزمره مردم (که برخاسته از تجربیات بی واسطه و بدون محدودیت های گفتمان رسمی از دین و دین داری می باشد) است. دین داری و انواع آن پیش از ظهور شبکه های اجتماعی مجازی و وبلاگ در حوزه عمومی تحت هژمونی قرائت گفتمان رسمی بوده است. اکنون با حضور شبکه های اجتماعی مجازی و مجازی شدن حوزه عمومی، می توان انواع دین داری را در قالب ها و شکل های جدید و متنوع، مشاهده کرد. وقتی که باورها و عقاید دینی در پروفایل ها و وال کاربران فیس بوک ابراز می گردد در یک کنش ارتباطی و فضای گفتگو با سایر کاربران یا کنشگران قرار می گیرد. بنابراین، می تواند تبدیل به خرده گفتمان هایی در انواع دین داری در گروه های مختلف اجتماعی شود. بدین معنی که کاربران فیس بوک با ابراز و بیان دین داری خود با سایر کاربرانی که در آن نوع عقاید و باورها دارای اشتراک هستند، تشکیل گروه هایی را می دهند که دارای خرده فرهنگ منحصر به فرد در زمینه آن نوع باور خاص می باشد (Memar et al., 2012, p.1196).

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش تحلیل ثانویه انجام شده است و متکی بر تحلیل و تلفیق اطلاعاتی است که از تحقیقات قبلی به دست آمده است. در این روش، اطلاعات برگرفته از پژوهش های مختلف، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار نمی گیرد. در عوض، از ترکیب، یک دست کردن و مقایسه یافته ها در جهت پاسخگویی به پرسش های تحقیق استفاده خواهد شد. ضروری است به محدودیتی که در این قبیل مطالعات وجود دارد اشاره نمود. تفاوت در روش نمونه گیری، حجم نمونه، جامعه آماری، شرایط گردآوری اطلاعات، نوع پرسش ها، در مجموع یک دست کردن یافته های پژوهشی را مشکل می سازد. در واقع، در فرایند ادغام یافته ها، خصلت منحصر به فرد بودن هر تحقیق نادیده گرفته می شود. علاوه بر این، همواره تعدادی از تحقیقات معتبر و ارزشمند هستند که

به چاپ نرسیده و از حوزه دسترسی محقق بیرون مانده اند (جواهری و باقری، ۱۳۹۱، ص ۱۱). در عوض پژوهش هایی در دسترس محقق قرار گرفته که به چاپ رسیده است؛ بنابراین، نگارندگان پژوهش حاضر با اذعان به چنین محدودیت هایی کوشش می کنند با نهایت احتیاط به تفسیر اطلاعات موجود پردازند.

جمعیت پژوهش، کلیه پژوهش هایی که طی سه سال گذشته در چارچوب مقالات منتشر شده در همایش های معتبر داخلی و مجلات علمی- پژوهشی قابل دسترسی است و موضوع آن ها بررسی یک جنبه از آثار و پیامدهای تعامل در شبکه اجتماعی فیس بوک می باشد. نمونه تحقیق با لحاظ کردن معیارهای زیر انتخاب شده است:

- آثار منتخب با روش گردآوری اطلاعات از سطح کنشگران فردی انجام شده باشد؛

- آثار پژوهشی از چارچوب نظری و مفهومی قابل قبولی برخوردار باشند؛

- و پایایی و روایی سنجه های پژوهش محاسبه شده باشد.

در مجموع پس از بازبینی حدود ۲۷ اثر پژوهشی، ۲۱ مورد آن ها بر اساس معیارهای ذکر شده، انتخاب و مبنای مطالعه قرار گرفت. همچنین، از آنجاکه پژوهش های مورد استفاده در نوشتار حاضر، از روش های آزمایشی و شبه آزمایشی استفاده نکرده اند، نمی توان با توسل به یافته های این پژوهش ها ادعای علیت نمود و شبکه های اجتماعی مجازی را تنها عامل یا علت تغییر در سبک زندگی، هویت، دین داری و سرمایه اجتماعی جوانان در نظر گرفت. پس در نتیجه، بهتر است از اصطلاح همبستگی سخن بگوییم و شبکه های اجتماعی مجازی را در کنار سایر عوامل از عوامل مهم و اثرگذار بر جنبه های مختلف زندگی جوانان در نظر بگیریم.

۴- یافته های پژوهش

تأثیر شبکه اجتماعی فیس بوک بر هویت

در محیط تعاملی فیس بوک امکان بازنمایی و ابراز هویت، پنهان ساختن هویت و تعبیر و تفسیرهای مختلف از هویت وجود دارد، بنابراین این پرسش قابل طرح است که تعامل در فیس بوک موجب چه نوع دگرگونی های هویتی می شود؟ یافته های پژوهش حکیمی (۱۳۹۰) در مطالعه ای تحت عنوان «نقش شبکه های اجتماعی بر هویت: مطالعه

موردی فیس بوک و کاربران کرد»، با استفاده از روش کیفی مصاحبه برخط، حاکی از آن است که جهانی شدن برای قومیت‌ها تعریف جهانی - محلی شدن دارد و برای کردها باعث شکل‌گیری یک کشور مجازی می‌شود که در آن می‌توانند حاکمیت سیاسی و فرهنگی داشته باشند؛ به طوری که فیس بوک توانسته است نقش عمده‌ای در بازنمایی هویت کردها در جهان داشته باشد و از این راه به یافتن دوستان و همفکران کرد و غیرکرد کمک شایانی کرده است.

عدلی پور (۱۳۹۱) در پژوهشی به «تحلیل پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان شهر اصفهان» با استفاده از روش پیمایش برخط (آن‌لاین) دست زده است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که حضور و تعامل در فیس‌بوک عاملی اثرگذار بر هویت اجتماعی کاربران است؛ که با افزایش مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعالیت کاربران، واقعی تلقی کردن محتوای فیس بوک در مقایسه با رسانه‌های داخلی، هویت خانوادگی، هویت فرهنگی (هویت دینی و ملی)، هویت شخصی و هویت سیاسی کاربران تضعیف می‌شود، اما در مقابل هویت مدرن و هویت مصرفی کاربران تقویت می‌شود.

معمار و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به مطالعه شبکه اجتماعی فیس بوک و بحران هویت در ایران پرداخته‌اند. یافته‌های آنان حاکی از آن است که بر اساس یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران فضای مجازی در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی‌اند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی که آزادترین محیطی است که بشر تا به امروز با آن مواجه بوده، منابع هویت‌ساز سنتی و معمول در جوامع را تضعیف و کارکرد آن‌ها را با دشواری روبه‌رو کرده است. فضای مجازی، نوعی از بحران هویت را در میان طیف گسترده‌ای از جوانان به وجود آورده و این بحران هویت در زمینه‌های فردی ناهمگونی‌های هویتی را سبب شده و به نحوی تعادل اجتماعی را متأثر کرده است. همچنین شبکه‌های اجتماعی مجازی، باعث تغییرات اساسی در نهادهای هویت‌ساز شده‌اند و عوامل معناساز هویتی را دستخوش تغییر نموده‌اند.

یافته‌های پژوهش قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌شان تحت عنوان «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان»، حاکی از آن است که بین مدت‌زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعالیت کاربران در فیس‌بوک و هویت ملی کاربران رابطه معنادار معکوس و بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و هویت ملی کاربران رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. یعنی هر چه مدت‌زمان عضویت، میزان استفاده و میزان فعالیت و مشارکت کاربران در فیس‌بوک از سوی کاربران افزایش پیدا می‌کند، هویت ملی کاربران تضعیف می‌شود.

کیان‌پور و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌شان با انتخاب ۳۰۰ نفر از کاربران ترک ایرانی فیس‌بوک به بررسی تأثیر فیس‌بوک بر هویت قومی این کاربران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان‌دهنده آن است که بین مدت‌زمان عضویت، میزان مشارکت و فعال بودن، واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده و اهداف و انگیزه کاربران ترک در استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک با هویت قومی آن‌ها رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. همچنین کاربران ترک سعی می‌کنند از تمامی امکانات فیس‌بوک برای معرفی خود به‌سان یک هویت قومی، مطرح ساختن دیدگاه‌های خود در راستای حفظ هویت و تداوم فرهنگ خویش و بیان مطالبات اجتماعی و سیاسی خود استفاده کنند. فیس‌بوک این فرصت را فراهم آورده تا ترک‌ها صرف‌نظر از این‌که در کجای ایران و حتی جهان به سر می‌برند به شیوه‌ها و در راستای اهداف گوناگون، با گروه‌های قومی خود در ارتباط مستمر قرار گیرند. این امر نقش انسجام‌بخش در میان اعضای پراکنده گروه‌های قومی ایفا می‌کند؛ به‌طوری‌که اعضای قومیت ترک در نقاط مختلف ایران در قلمروی غیرفیزیکی به یکدیگر پیوند خورده‌اند و هویت قومی می‌تواند بدون شرایط همزیستی و مکان فیزیکی وجود داشته باشد.

عدلی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) به مطالعه تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت بازانديشانه دانشجویان دانشگاه تبریز پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که فیس‌بوک باعث تقویت هویت بازانديشانه کاربران خود شده است. با توجه به امکانات و قابلیت‌های فیس‌بوک که باعث افزایش دامنه تعاملات اجتماعی فرد کاربر در فضای مجازی این شبکه و در پی آن افزایش سرمایه اجتماعی فرد و دستیابی کاربر فیس‌بوک به دامنه وسیعی از اطلاعات گوناگون و افزایش قدرت نمادین فرد، به‌تدریج پنداشت

کاربر جوان ایرانی از کیستی و چیستی خود، دیگران و جهان پیرامونش را دگرگون کرده و هویت او را دستخوش تحول می‌کند و در نهایت باعث شکل‌گیری هویتی بالنسبه سیار، ناپایدار، بازانديشانه و متکثر در وی می‌شود؛ هویتی که با توجه به خصوصیات آن می‌توان آن را هویت مدرن و یا بازانديشانه نامید. در کل نگرش‌های کاربران درباره تغییرات هویتی خودشان از زمان کاربری شبکه‌های اجتماعی مجازی تاکنون در این پژوهش، بیانگر دستیابی آنان به برخی از شاخصه‌های کلیدی هویت بازانديشانه در پرتو حضور در فضای مجازی فیس‌بوک و بهره‌گیری از این فناوری اطلاعاتی، ارتباطی مدرن است.

یافته‌های پژوهش خاکسار و همکاران (۱۳۹۲) در زمینه تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت جهانی جوانان، نشان می‌دهد که بین استفاده از فیس‌بوک و تقویت هویت جهانی کاربران همبستگی مستقیمی وجود دارد. حضور در فضای مجازی فیس‌بوک با توجه به خصوصیات و امکانات خاص این فضا، نظیر امکاناتی از قبیل: گمنامی، تعامل هم‌زمان و غیرهم‌زمان با طیف وسیعی از دیگری‌ها، رویارویی با فضاها و جریان‌های نا آشنا، پشت سر نهادن نسبی مرزهای طبیعی و اجتماعی موجود در دنیای واقعی، دسترسی سریع و نسبتاً آسان به طیف وسیعی از اطلاعات اعم از محلی، جهانی، تخصصی، عمومی و غیره، تعامل و ارتباط صرفاً مبتنی بر نوشتار با سایرین و غیره، کاربران فضای مجازی خصوصاً کاربران حرفه‌ای و پرمصرف جوان ایرانی با توجه به ساختارهای عینی و ذهنی جامعه شبه‌مدرن خودشان را قادر می‌سازد برخی تجارب خرد و کلان ویژه زندگی در جوامع مدرن کنونی با توجه به ساختارها، نهادها و ساخت‌های مختص این نوع جوامع را تجربه کرده و از آن‌ها تأثیرپذیرند؛ تجاربی نظیر تجربه جدایی مکان از فضا، برقراری روابط دوستانه و صمیمی با سایرین متعدد و متفاوت همراه با احساس نوعی تعهد درونی به رابطه، اعتماد به افراد و ساختارهای نامرئی با در نظر گرفتن و پذیرفتن بیم‌ها و مخاطرات موجود، تجربه آزادی، استقلال و قدرتمندی فردی و سیال بودگی و جهان‌وطنی، تجربه بازانديشی دائمی و غیره.

عالمی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با استفاده از روش تحلیل محتوا، نشان می‌دهد که فیس‌بوک تهدیدی بر هویت سیاسی جوانان ایرانی است و باعث ایجاد شکاف بین

هویت سیاسی جامعه ایران با بنیان‌های هویت ملی می‌شود. وی همچنین تهدیدات فیس‌بوک علیه هویت سیاسی ایران در سه سطح ساختار سیاسی، جامعه سیاسی و هیئت حاکمه بررسی می‌کند. در سطح ساختار سیاسی، فیس‌بوک باعث ترسیم رفتار استبدادی و امنیتی از نظام موجود و نامشروع خواندن نظام سیاسی موجود می‌گردد. در سطح جامعه سیاسی موجب کم‌رنگ شدن اعتقاد به اسلام و مذهب تشیع، نافرمانی مدنی توده‌ها در مقابل حاکمیت با هدف مقابله با آن، القا تضاد و دشمنی هویت دینی با هویت و منافع ملی و لزوم دفاع از هویت و منافع ملی در مقابل دین، بی‌اعتمادی به همبستگی سیاسی و دفاع از جدایی‌طلبی قومی، حمایت از تهاجم نظامی بیگانگان برای از بین بردن نظام سیاسی موجود می‌شود. سرانجام در سطح هیئت حاکمه باعث ترسیم ناکارآمدی هیئت حاکمه، تصور بی‌توجهی هیئت حاکمه به حل مشکلات مردم و آرزوی بازگشت رژیم سیاسی قبل از انقلاب می‌شود.

نتایج پژوهش‌های بالا حاکی از آن است که استفاده از فیس‌بوک، هویت شخصی و اجتماعی افراد را متأثر می‌گرداند و در دگرگونی هویت سنتی و پیشین و پذیرش هویت مدرن (همچنین هویت بازاندیشانه و جهانی) نقش ایفا می‌کند. در واقع، استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک عاملی مهم در کاهش تعلق به هویت‌های جمعی مانند هویت خانوادگی، هویت ملی، هویت سیاسی و هویت فرهنگی است.

تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر سبک زندگی

امروزه با گسترش فرهنگ عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌ویژه در میان جوانان، زندگی به سبک شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، به سرعت در حال گسترش است. بنابراین این سؤال مطرح می‌شود که استفاده از فیس‌بوک در سبک زندگی جوانان چه تغییراتی ایجاد کرده است؟

بشیر و افراسیابی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان» با استفاده از روش پیمایش و پرسشنامه اینترنتی، به این نتیجه رسیدند که میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و نحوه اختصاص وقت به سایر فعالیت‌های اجتماعی ارتباط وجود داشته و بیشتر پاسخگویان اذعان کرده‌اند که به

دلیل استفاده بیش از حد از اینترنت برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی مورد اعتراض سایر اعضای خانواده واقع شده‌اند. همچنین عضویت در این شبکه‌های اجتماعی با مقوله‌هایی نظیر نحوه ارتباط با جنس مخالف و شیوه محاورات اعضا در محیط بیرونی ارتباط وجود دارد؛ بنابراین می‌توان گفت میان عضویت در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان ارتباط وجود دارد.

یافته‌های شاهنوشی و تاجی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان شهرستان شهرکرد»، نشان می‌دهد که بین نوع شبکه، محل سکونت، انسجام ارزشی و سبک زندگی رابطه‌ای وجود ندارد. ولی بین متغیرهای جنسیت، میزان تحصیلات، انسجام رابطه‌ای، تجمع اجتماعی، و سبک زندگی رابطه معنادار وجود دارد.

ذکایی (۱۳۹۱) در پژوهشی به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که اهمیت و نقش استفاده و تعامل جوانان با شبکه‌های اجتماعی مجازی در فراغت و هویت‌های فراغتی آن‌ها چگونه است؟ وی با تحلیل مصاحبه‌های کیفی با کاربران فعال این شبکه‌ها نتیجه می‌گیرد که شبکه‌های مجازی، با کاستن نسبی اهمیت بخشی از مؤلفه ساختاری هویت و در تعلیق یا در حاشیه قرار دادن شرایط زمینه‌ای آن‌ها، فرصت‌هایی را برای بیان متفاوت سلیقه‌های و روبه‌رویی فراغتی خود در شبکه مجازی فراهم کرده و به همان‌سان، برخی از تجارب جدید را برای آن‌ها گشوده‌اند. کاربران این شبکه‌ها، تقویت مهارت‌های فردی و اجتماعی (ارتباطی)، لذت‌های برآمده از تمرکز و ارتباط هم‌زمان با افرادی با زمینه‌های مشابه و متفاوت در فضایی چندرسانه‌ای، حذف سلسله‌مراتب و روابط قدرت، جدا شدن از برخی محدودیت‌های بدنی (پوشش، سن)، عدم ضرورت ایفای برخی نقش‌های متعارف در زندگی واقعی، گریز به دنیای پیچیده فانتزی و زیبایی‌سازی شده، جولان دادن تخیل، لذت داشتن هویت‌های چندگانه را از جمله آثار و شرایط مرتبط با تجارب فعالیت‌های شبکه‌ای خود بیان کرده‌اند.

ذوالفقاری و همکاران (۱۳۹۲) با استفاده از روش تحلیل محتوا به مقایسه کارکرد شبکه‌های اجتماعی در سبک زندگی در دو تمدن اسلامی-ایرانی و غربی پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی غربی باعث ایجاد و انتقال مبانی

فکری غربی و اومانسیم می‌شوند. این شبکه‌ها فلسفه انسان‌محوری را تزریق کرده و توجه به عقل حسی - تجربی، لذت‌گرایی، نتیجه‌گرایی، سرمایه‌سالاری و برانگیزش احساسات در راستای منافع طبقه حاکم در پشت پرده (سرمایه‌سالاران) را ایجاد می‌کنند، و در نهایت رفتارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مبتنی بر سبک زندگی غربی را به وجود می‌آورند.

معمار و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «تبیین جامعه‌شناختی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و سبک زندگی جوانان ایرانی»، نشان دادند که سبک زندگی افرادی که عضو فیس‌بوک هستند و کسانی که عضو نیستند متفاوت است. الگوی خرید و مصرف فرهنگی افراد برحسب عضویت یا عدم عضویت آن‌ها در فیس‌بوک متفاوت است. همچنین میزان استفاده از فیس‌بوک بیشترین اثر را بر الگوی خرید و مصرف فرهنگی دارد و مدت زمان عضویت در شبکه اجتماعی فیس‌بوک، تأثیر زیادی بر الگوی تغذیه داشته است.

نتایج تحقیقات یادشده بیانگر این است که شبکه اجتماعی فیس‌بوک (البته به همراه سایر عوامل دیگر همچون شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و غیره) عاملی اثرگذار بر سبک زندگی جوانان ایرانی و باعث تغییرات و تحولات گسترده‌ای در سبک زندگی در زمینه‌هایی چون گذران اوقات فراغت، توجه و گرایش به بدن، نحوه پوشش، شیوه محاوره و سبک بیان، ایجاد شرایط برای برقراری ارتباط با جنس مخالف و کسب توانمندی‌های روز در نگرش به فضای جهانی شده است.

تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر سرمایه اجتماعی

پرسش مهمی که در این زمینه طرح می‌شود این است که استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک چه تأثیری بر سرمایه اجتماعی کاربران دارد و تعامل افراد در این شبکه اینترنتی می‌تواند در دنیای واقعی باعث تضعیف ارتباطات و تعاملات اجتماعی، منزوی شدن و فردگرایی شود؟

موسوی و حدادی (۱۳۹۰) در پژوهشی به تحلیل مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در جهان واقعی و مجازی پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که بین سرمایه

اجتماعی در جهان واقعی و جهان مجازی رابطه مستقیمی وجود دارد. فضای مجازی به عنوان یک فضای تعاملی اینترنتی، منعکس کننده همان حجم سرمایه اجتماعی افراد در دنیای واقعی است. بدین معنا که فضای مجازی، سرمایه اجتماعی افراد را کاهش یا افزایش نمی دهد بلکه حجم این سرمایه در جهان مجازی کم و بیش بازتاب دهنده حجم سرمایه اجتماعی افراد در دنیای واقعی است.

یافته های شهابی و بیات (۱۳۹۱) حاکی از آن است که جوانان فعالیت در شبکه های اجتماعی مجازی را فرصتی برای بیشتر بودن با دوستان فضای واقعی می دانند و این شبکه ها امکان زنده شدن ارتباطات قدیمی را در عین دوری مکانی فراهم می آورند. اعضای شبکه های اجتماعی اینترنتی حس تعلق به گروه و داشتن علاقه و عقیده مشترک با دیگران را ادراک و از آن احساس رضایت می کنند. همچنین جوانان فعالیت در فضای شبکه ها را جایگزینی مناسب برای اوقات تنهایی خود می دانند و با این شبکه ها امکان سپری کردن اوقات بیکاری را فراهم می آورند. فضای شبکه های اجتماعی، تجربیات عاطفی محدود و ممنوع شده از سوی اشکال رسمی و رایج جامعه را ممکن و کم هزینه می سازد.

عبداللهیان و کرمانی (۱۳۹۲) در پژوهشی به سنجش سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی شبکه اجتماعی فیس بوک پرداخته اند. یافته های آن ها بیانگر این است که تحصیلات افراد در فیس بوک می تواند میزان سرمایه اجتماعی آن ها را در این شبکه افزایش دهد. افراد با سرمایه اجتماعی بالاتر در فیس بوک از مشارکت مدنی و سیاسی بالاتری در دنیای واقعی برخوردارند.

عبداللهیان و شیخ انصاری (۱۳۹۲) بر اساس فرضیات الیسون^۵ به تبیین همبستگی مثبت بین افزایش شدت استفاده از فیس بوک و افزایش سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی فیس بوک پرداخته اند. جمع آوری داده ها به روش پیمایش و به شکل آفلاین و برخط (آنلاین) و نیز از طریق کاربرد گروه کانون انجام شد. جامعه آماری این پژوهش در روش برخط کاربران اینترنت و در روش آفلاین دانش آموزان ساکن تهران که کاربر اینترنت هستند، در نظر گرفته شد. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین افزایش شدت استفاده از فیس بوک و سرمایه اجتماعی پیوندبخش و سرمایه اجتماعی نگهدارنده کاربران

فیس بوک همبستگی مثبت وجود دارد. در میان گروه کنترل و گروه آزمایش نیز بین سه نوع سرمایه اجتماعی تفاوت وجود دارد. به عبارت دیگر، میانگین این سه نوع سرمایه در بین کاربران فیس بوک نسبت به کسانی که کاربر نیستند، بیشتر است. دستاورد پژوهش آن‌ها این است که شبکه اجتماعی فیس بوک پیوندهای ضعیف را تقویت می‌کند. اگرچه یافته‌های پژوهش‌های بالا بیانگر این هستند که شبکه اجتماعی فیس بوک افزایش دهنده سرمایه اجتماعی کاربران خود هستند، اما فیس بوک بیش از آن که در افزایش یا کاهش روابط اجتماعی تأثیر داشته باشد، با ایجاد تغییراتی در اشکال سنتی تر رابطه اجتماعی، صورت‌های تعامل اجتماعی را تنوع بخشیده است.

تأثیر شبکه اجتماعی فیس بوک بر پابندی دینی

استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی ممکن است سطوح مختلفی از مناسبات دینی یعنی رهبران مذهبی، ایمان آورندگان، نهادها، تشکیلات و سازمان‌های مذهبی را متأثر سازد، اما در پژوهش حاضر، تأثیر شبکه اجتماعی فیس بوک بر میزان یا سطح پابندی دینی کنشگران جوان مورد نظر است.

عدلی پور و سپهری (۱۳۹۲) در پژوهشی به مطالعه تأثیر فیس بوک بر میزان دین‌داری دانشجویان پرداخته‌اند که یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که متناسب با افزایش مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعالیت و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس بوک از سوی کاربران، شناسه‌ها و مؤلفه‌های دین‌داری دستخوش دگرگونی می‌شوند و احساس تعلق خاطر به شاخص‌های دین‌داری، ماهیتی انتخابی به خود می‌گیرد و در نتیجه آن دین‌داری کاربران تضعیف می‌گردد. همچنین به باور آن‌ها، فضای سایبری شبکه اجتماعی فیس بوک به عنوان یک میدان، متأثر از فرهنگ و فضای جهانی و غربی است؛ بنابراین، کاربران مختلف (به ویژه جوانان دانشجوی) هنگام استفاده از این رسانه چندساحتی، با مخاطراتی روبه‌رو می‌شوند. گرچه این مخاطرات از یک جنس نبوده و میزان آسیب‌زایی آن‌ها نیز یکسان نیست، از آنجاکه دین‌داری جوانان فاقد استحکام معرفتی و نظری لازم بوده و قرار گرفتن در فضای مخدوش گرابعد رفتاری دین، به دلیل ضعف پایه‌های معرفتی، بیشترین آسیب را متوجه دین‌داری آنان

می‌کند و نیز با عنایت به اینکه جذابیت‌های فیس‌بوک برای دانشجویان و جوانان در حوزه‌های رفتاری و عاطفی (انواع فعالیت‌های تفریحی و ارتباطاتی) است، لذا در مجموع استفاده از فیس‌بوک، دارای آثار منفی بر ابعاد عملی و رفتار دینی دانشجویان و جوانان است. به عبارت دیگر، از آنجاکه از یک سو، نوع رایج استفاده ارتباطی و تفریحی از شبکه اجتماعی فیس‌بوک معمولاً بر وفق آموزه‌ها و احکام دین اسلام نیست و از دیگر سو، در منظومه دین‌داری کاربران دانشجو، رفتار و عواطف دینی نسبت به معرفت دینی برجستگی بیشتری دارد. لذا آثار استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر دینداری دانشجویان، متأثر از نوع استفاده آن‌ها از این رسانه بیشتر منفی است.

یافته‌های قاسمی و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌شان نشان‌دهنده آن است که بین مدت زمان عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در استفاده از فیس‌بوک رابطه معنادار معکوس و بین واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک و هویت دینی کاربران رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. یعنی هر چه مدت زمان عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در استفاده از فیس‌بوک افزایش پیدا می‌کند از برجستگی هویت دینی نزد آن‌ها کاسته می‌شود.

مزینانی (۱۳۹۲) در پژوهشی به مطالعه بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت دینی کاربران پرداخته است. تحلیل یافته‌های این مطالعه که هویت دینی کاربران را در پنج حیطة احساس، باور و اعتقاد، روابط صمیمی با خانواده، عملکرد آموزشی والدین در حوزه دین و پایبندی والدین به ارزش‌ها و اعتقادات دینی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد، نشان از آن دارد که صرف حضور و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تضعیف هویت دینی کاربران تأثیر معناداری ندارد ولی نوع استفاده از این شبکه‌ها از نظر استفاده کاربردی و یا تفریحی، مدت زمان طولانی حضور در این شبکه‌ها و همچنین هدف استفاده کاربران از این شبکه‌ها در تضعیف هویت دینی کاربران و تمایل آنان در حرکت از هویت سنتی و اصیل دینی به سمت هویت بازتابی و مدرن اثرگذار است.

بینام (۱۳۹۲) در پیمایشی بین دانشجویان به بررسی رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش دینی کاربران عضو این شبکه‌ها پرداخته است. یافته‌های وی

نشان می‌دهد که بین استفاده از شبکه‌های مجازی و کاهش گرایش دینی، اعتقادات دینی و میزان پایبندی دینی رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش‌های یادشده نشان‌دهنده آن است که شبکه اجتماعی فیس‌بوک به‌عنوان یکی از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، از عوامل اساسی در کاهش هویت دینی، پایبندی دینی و گرایش‌های دینی کاربران جوان ایرانی است. همچنین، یافته‌ها بر این واقعیت دلالت دارد که جوانان متناسب با نوع نیازهای دینی و مذهبی خود از فیس‌بوک استفاده می‌کنند و به همان ترتیب استفاده از فیس‌بوک بر شیوه و سبک دین‌داری آن‌ها تأثیر می‌گذارد و قرائت‌های دینی مختلف را در آن‌ها افزایش می‌دهد.

جمع‌بندی

در عصر حاضر، گسترش شگفت‌انگیز فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، با دگرگون ساختن حوزه تعاملات اجتماعی باعث افزایش سرعت تغییرات در منابع اطلاعاتی و معرفتی مخاطبان و در نتیجه بالا رفتن سرعت دگرگونی در نگرش آنان به ابعاد گوناگون حیات اجتماعی شده است. جامعه ایران نیز با رشد نسبتاً شتابان، پای در مسیر بهره‌گیری از این رسانه‌های نوین (اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی) نهاده است. اگرچه اکثر شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیس‌بوک در ایران پالایه هستند، اما علی‌رغم این موضوع، ما شاهد گسترش دسترسی روزافزون جوانان ایرانی به این رسانه‌های نوین اجتماعی هستیم و نمی‌توانیم تأثیر آن‌ها را در شکل‌گیری و تغییر نگرش، سبک زندگی و هویت کاربران انکار کنیم. به همین خاطر یکی از دغدغه‌های مرتبط با استفاده از رسانه‌های نوین، تأثیر نامطلوب آن‌ها بر نسل جوان و در نهایت سامان اجتماعی است. اختلال در نظم اجتماعی با معرف‌های مختلفی قابل تعریف است که یکی از آن‌ها وقوع یا شکل‌گیری مسئله اجتماعی است. جامعه‌شناسان معمولاً مسئله اجتماعی را وضعیت اظهارشده‌ای می‌دانند که با ارزش‌های شمار مهمی از مردم مغایرت دارد و معتقدند باید برای تغییر آن وضعیت اقدام کرد (رایبینگتن و واینبرگ، ۱۳۹۰، صص ۱۱-۱۲). با توجه به نکات ذکرشده می‌توان گفت، چنانچه استفاده جوانان از شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث به وجود آمدن شرایطی مغایر با فرهنگ عمومی شده باشد یا موجب دگرگونی‌های هویتی

و شیوه زندگی شده باشد، به طوری که هم‌نوایی جوانان با جامعه را کاهش داده یا به تضعیف پیوند اجتماعی جوانان با اعضای جامعه منتهی گردد، یا تعارض، مشکل یا بحران خاصی در ساختار جامعه به وجود آورده باشد، در این صورت این واقعیت به تدریج موجب اختلال در نظم اجتماعی خواهد شد.

یافته‌های پژوهش‌های مذکور در نوشتار حاضر هم‌راستا با یافته‌های پژوهش جواهری و باقری (۱۳۹۰)، حاکی از آن است که شبکه اجتماعی فیس‌بوک به واسطه ارائه مجموعه گسترده‌ای از اطلاعات، دامنه تجارب و فرصت‌های مخاطبان خود را گسترش می‌دهد و آنان را به نحو روزافزونی قادر می‌سازد تا خود را در زمان و مکانی دیگر مشاهده نمایند. طبیعی است این وضعیت باعث یادگیری‌های فرهنگی تازه می‌شود و آمیزش سبک‌های فکری و رفتاری متفاوت را به همراه می‌آورد. در بررسی سطوح مختلف هویت مشخص شد که استفاده از شبکه فیس‌بوک موجب همسانی با هویت قومی، هویت مدرن، هویت جهانی و هویت بازاندیشانه شده، و این وضعیت شدت هویت خانوادگی، ملی، فرهنگی و سیاسی افراد را کاهش داده است. در تحلیل نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیس‌بوک در تضعیف هویت ملی، هویت فرهنگی و سیاسی کاربران باید گفت که با گسترش روزافزون این رسانه‌ها، به‌ویژه در جوامع در حال گذار، روند نوسازی به تضعیف پیوندهای سنتی می‌انجامد. این رسانه‌ها می‌توانند در نگرش‌ها و رفتار شهروندان تأثیر گذارده و باعث کاهش همدلی، احساس تعلق ملی و انسجام اجتماعی شوند. اینگلهارت با طرح مفهوم انقلاب خاموش، بر این نظر است که ورود سریع ارزش‌ها و ایده‌های جدید از طریق فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند گسست‌های جدی در مبانی هویتی جامعه ایجاد کند. همچنان که کاستلز بیان کرده است ماهواره و اینترنت با دگرگون ساختن بنیادین ماهیت ارتباطات، نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییر و شکل‌دهی فرهنگ‌ها و هویت ملی شهروندان ایفا می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۹، صص ۳۸۳-۳۸۴). همچنین، پاستر بر نقش اینترنت در گسترش فرهنگ و هویت و روش جدید ساخته شدن هویت ملی تأکید کرده است. در این ارتباط، وی فرایند جهانی شدن رسانه‌ها را با به وقوع پیوستن افول هویت ملی

تحلیل کرده است (پاستر، ۱۳۷۷، ص ۵۲). گیدنز فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی را عامل سردرگمی و بی ثباتی و بی نظمی فرهنگی قلمداد کرده است.

همچنین دیگر یافته های پژوهش حاکی از آن است که اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی در دهه اخیر، سبک های زندگی جوانان را به شیوه های جدید زندگی دیجیتال پیوند زده است و فرهنگ های ویژه جوانان را جهانی کرده است. رشد و گسترش شبکه های اجتماعی مجازی، بر الگوپذیری جوانان برای انتخاب سرگرمی، مدیریت و تصور بدن، الگوی خرید، پوشش و نیز بالا رفتن فزاینده سطح نیازهای آنان تأثیر گذاشته است و گاه دسته ای را به کندن از واقعیات حقیقی و پناه بردن به واقعیات مصنوعی و به تعبیر بل^۶ (۲۰۰۱) تابعیت فرهنگ های نمایشی کشانیده است. علاوه بر این تصاویر و مطالب ارائه شده در اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی تأثیر به سزایی در ترویج فرهنگ مصرفی دارد و واکنش های هیجانی شدیدی را از جمله لذت، تمایل و خودشیفتگی در هویت جوانان برانگیخته است؛ اما درعین حال، تردیدها و ترس هایی را نیز برجای گذاشته است. همچنین، امروزه بسیاری از جوانان و نوجوانان می توانند با طیفی از وب گاه ها و نرم افزارهای رایانه ای کار کنند و به راحتی آن را بفهمند. این تحولات فناورانه علاوه بر اثرگذاری بر ذوق، سلیقه و نیاز ارتباطی آن ها، گذران اوقات فراغت آن ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. دو فرایند «رسانه ای شدن» و «خانگی شدن» توصیف کننده گذران بخش عمده ای از فراغت نوجوانان و جوانان در جوامع مدرن است. جوانان فراغت خود را بیش از پیش در خلوت سپری می کنند و برای سرگرم شدن به طور فزاینده ای به اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی متکی هستند.

برخلاف نگرانی های موجود، استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی موجب انزوای اجتماعی نشده بلکه ارتباطات افراد را گسترش داده و مقوم سرمایه اجتماعی آن ها شده است. به نظر می رسد استفاده از فیس بوک بیش از آن که میزان ارتباطات اجتماعی را تغییر داده باشد، نوع و سبک آن را دگرگون کرده است. به این معنا که تعامل های مبتنی بر ویژگی های انتسابی مانند سن، جنسیت، نژاد و قومیت را به سمت تعامل های مبتنی بر ویژگی های اکتسابی نظیر سبک زندگی، هنجارهای مشترک و علائق داوطلبانه سوق داده است.

سایر یافته‌های پژوهش حاکی از تضعیف پایبندی دینی، اعتقادات دینی و گرایش‌های دینی کاربران جوان شبکه اجتماعی فیس بوک با افزایش مدت زمان عضویت و میزان استفاده از این شبکه است. در تحلیل این امر می‌توان گفت که احتمالاً استفاده آزاد از امکاناتی چون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در خانواده‌هایی بیشتر رواج دارد که اعتقادات و باورها و در نهایت هویت دینی آن‌ها ضعیف‌تر از دیگر خانواده‌ها است؛ اما این مسئله از عامل دیگری نیز سرچشمه می‌گیرد و آن این است که چون در جامعه ما از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی اکثراً به صورت منطقی استفاده نمی‌شود و این رسانه‌ها و امکانات اطلاعاتی و ارتباطاتی، بیشتر مروج فرهنگ مادی‌نگر و لذت‌جو و فردگرایانه غربی هستند، یکی از جنبه‌های آسیب‌زای آن کاهش تعلقات دینی و اخلاقی در نوجوانان و جوانان است. همچنین تعامل در فضای مجازی تأثیر دوگانه‌ای بر ابعاد هویت دینی جوانان دارد؛ به طوری که با افزایش دسترسی و بهره‌مندی از مجاری نوین اطلاعاتی و ارتباطی و افزایش مدت زمان استفاده و نوع مصرف به دلیل تلطیف افق ذهنی و بینشی و گسترش جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و عملی، از یک سو، از شدت ابعاد پیامدی و تجربی کاسته می‌شود و از سوی دیگر، هویت دینی جوانان در بعد شناختی تقویت می‌شود. در واقع، اطلاعات یادشده بر این واقعیت دلالت دارد که جوانان متناسب با نوع نیازهای دینی و مذهبی خود از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند و به همان ترتیب استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی بر شیوه و سبک دین‌داری آن‌ها تأثیر می‌گذارد و انعطاف‌پذیری نسبت به قرائت‌های دینی مختلف را افزایش می‌دهد.

به دلیل محدودیت‌های روش‌شناسانه که پیش از این به آن اشاره شد، لازم است هنگام تحلیل اطلاعات، جانب احتیاط را رعایت نمود. با وصف این، به نظر می‌رسد اطلاعات پژوهش حاضر از بروز برخی تغییرات اجتماعی- فرهنگی در بین نسل جوان (خصوصاً در زمینه هویت ملی، هویت سیاسی و فرهنگی و پایبندی دینی) حکایت می‌کند. به نظر می‌رسد «جوانان ایرانی همگام با جوانان جوامع دیگر در حال تجربه یک دوره نوین زندگی هستند و سعی دارند تا با اقتباس از فرهنگ‌های دیگر و تلفیق آن با عناصر داخلی از قافله عقب‌نمانند» (شهابی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۰۵). نتیجه این امر

وقوع مشکل یا مسئله اجتماعی در زمینه هویت ملی، هویت سیاسی و فرهنگی و پایداری دینی و گرایش‌های دینی است؛ اما این فرایند هنوز به تعارض معنادار شدید میان جوانان و شالوده‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه در زمینه سبک زندگی و سرمایه اجتماعی منتهی نشده است. شاید این وضعیت از تعاملی بودن رابطه میان انسان و رسانه سرچشمه گرفته باشد. کاستلز (۱۳۸۲، ص ۳۹۱) معتقد است «رسانه به تنهایی نمی‌تواند رفتار را شکل دهد، زیرا افراد آگاهانه یا ناخودآگاه پیام‌های رسانه‌ها را درک و پردازش می‌کنند و تأثیری را که فرستندگان پیام در نظر داشته‌اند، تغییر می‌دهند».

حتی اگر تصور شود که شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیس‌بوک آثار ناموجهی برای نظم اجتماعی دارد، از طریق پالایه نمودن و سیاست‌های محدودسازی نمی‌توان این آثار را محو نمود، زیرا امکان دور زدن این سیاست‌ها همچنان وجود دارد. در عوض، به واسطه افزایش آگاهی‌های عمومی، افزایش سواد رسانه‌ای، تقویت تفکر انتقادی و رشد تعهد اجتماعی می‌توان ضریب آسیب‌پذیری را کاهش داد. به این ترتیب قانون کنترل تغییر می‌یابد و جوانان از چنان قابلیت‌برخوردار خواهند شد که هنگام رویارویی با دنیاهای فرهنگی و اجتماعی جدید به شکلی منفعلانه از آن تأثیر نپذیرند.

یادداشت‌ها

1. Facebook
2. www.Alexa.com
3. Mark Zuckerberg
4. Jessica Hilberman
5. Ellison
6. Bell

کتابنامه

اسلوین، جیمز (۱۳۸۰)، *اینترنت و جامعه*، ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه، تهران: نشر کتابدار.

بشیر، حسن و افراسیابی، محمدصادق (۱۳۹۱)، «شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال پنجم، ش ۱، صص ۳۱-۶۲.

بینام، امیرعلی (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش دینی، مورد پژوهی: دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران»، مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی، به کوشش مسعود اسدپور و جلال غفاری، تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.

پاستر، مارک (۱۳۷۷)، عصر دوم رسانه‌ها، ترجمه غلامحسین صالح‌یار، تهران: مؤسسه ایران. جنکینز، ریچارد (۱۳۹۱)، هویت اجتماعی، مترجم: تورج یاراحمدی، تهران: پردیس دانش. جواهری، فاطمه و باقری، لیلا (۱۳۹۰)، «ایترنت، جوانان و نظم جامعه: تحلیل ثانویه تحقیقات موجود»، دوفصلنامه نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۶۰، صص ۲۱۱-۲۳۵. حکیمی، رؤیا (۱۳۹۰)، «نقش شبکه‌های اجتماعی بر هویت (مطالعه موردی روی فیس‌بوک و کاربران کرد)»، مجله جهانی رسانه، سال ششم، ش ۱۱، صص ۱۶۰-۱۸۰. خاکسار، فائزه؛ عدلی‌پور، صمد و سپهری، آسیه (۱۳۹۲)، «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت جهانی جوانان شهر تبریز»، مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی، به کوشش مسعود اسدپور و جلال غفاری، تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.

ذکایی، محمدسعید (۱۳۹۱)، فراغت، مصرف و جامعه، تهران: تیسا. ذوالفقاری، عاطفه؛ حجازی، سیدرضا و رازی، سمیرا (۱۳۹۲)، «مقایسه کارکرد شبکه‌های اجتماعی در سبک زندگی در دو تمدن اسلامی - ایرانی و غربی»، مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی، به کوشش مسعود اسدپور و جلال غفاری، تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.

ذوالقدر، حسین و قاسم‌زاده عراقی، مرتضی (۱۳۹۲)، «بررسی انگیزه‌های کاربران در استفاده از رسانه‌های اجتماعی: مطالعه موردی کاربران شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک»، پژوهش‌های ارتباطی، سال بیستم، ش ۳، صص ۳۵-۵۸.

رابینگتن، ارل و واینبرگ، مارتین (۱۳۹۰)، رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت‌الله صدیق سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.

شاهنوشی، مجتبی و تاجی، محمدرضا (۱۳۹۱)، «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی جوانان شهرستان شهرکرد»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سیزدهم، ش ۳، صص ۱۶۰-۱۸۱. شهابی، محمود و بیات، قدسی (۱۳۹۱)، «شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاربران جوان: از تداوم زندگی واقعی تا تجربه جهان‌وطنی»، مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، ش ۶۹، صص ۱۵۱-۱۸۰.

- شهابی، محمود؛ ذکایی، محمدرسعید و فرخی، علیرضا (۱۳۸۷)، «تعلق به خرده‌فرهنگ جوانان در شهر تهران»، *مطالعات جوانان*، ش ۱۲، صص ۹۱-۱۰۸.
- عالمی، حمزه (۱۳۹۲)، «فیس‌بوک، تهدیدی برای هویت سیاسی جامعه ایران»، *مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی*، به کوشش مسعود اسدپور و جلال غفاری، تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.
- عبداللهیان، حمید و شیخ‌انصاری، مهین (۱۳۹۲)، «تبیین بر همبستگی بین شدت استفاده از فیس‌بوک و سرمایه اجتماعی کاربران فیس‌بوک»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و چهارم، ش ۴، صص ۱۱۹-۱۳۸.
- عبداللهیان، حمید و کرمانی، حسین (۱۳۹۲)، «سنجش سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی شبکه اجتماعی فیس‌بوک»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، سال ششم، ش ۳، صص ۱-۲۶.
- عدلی‌پور، صمد (۱۳۹۱)، «تحلیل پیامدهای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت اجتماعی جوانان شهر اصفهان»، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- عدلی‌پور، صمد و سپهری، آسیه (۱۳۹۲)، «تأثیر فیس‌بوک بر میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه تهران»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی (جلد ششم)*، به کوشش محمد نصیری و محمدرضا بحرانی، بوشهر: موسسه سفیران فرهنگی مبین.
- عدلی‌پور، صمد؛ یزدخواستی، بهجت و خاکسار، فائزه (۱۳۹۲)، «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و شکل‌گیری هویت بازان‌دیشانه در بین دانشجویان دانشگاه تبریز»، *پژوهش‌های ارتباطی*، سال بیستم، ش ۳، صص ۱۰۱-۱۲۸.
- قاسمی، وحید؛ عدلی‌پور، صمد و کیان‌پور، مسعود (۱۳۹۱)، «تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان؛ مطالعه موردی فیس‌بوک و جوانان شهر اصفهان»، *دوفصلنامه دین و ارتباطات*، سال نوزدهم، ش ۲ (پیاپی ۴۲)، صص ۵-۳۶.
- قاسمی، وحید؛ عدلی‌پور، صمد و کیان‌پور، مسعود (۱۳۹۲)، «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان»، *مطالعات ملی*، سال چهاردهم، ش ۴، صص ۱۴۱-۱۶۴.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۲)، *عصر اطلاعات: پایان هزاره اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹)، *عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.

- کیان پور، مسعود؛ عدلی پور، صمد و کیخانی، الهام (۱۳۹۲)، «تبیین جامعه‌شناختی تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت قومی کاربران ترک در ایران»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و چهارم، ش ۴، صص ۶۷-۸۴.
- مزینانی، کاظم (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت دینی کاربران»، *مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی*، به کوشش مسعود اسدپور و جلال غفاری، تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.
- معمار، ثریا؛ عدلی پور، صمد و خاکسار، فائزه (۱۳۹۲)، «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، سال اول، ش ۴، صص ۱۵۵-۱۷۶.
- موسوی، سید کمال‌الدین و حدادی، فریده (۱۳۹۰)، «تحلیل مقایسه‌ای سرمایه اجتماعی در جهان واقعی و در جهان مجازی: با تأکید بر جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله مراجعه‌کننده به کافی‌نت‌ها در شهر اصفهان»، *مجله جهانی رسانه*، سال ششم، ش ۲، صص ۱۱۰-۱۲۹.
- وارد، گرگ (۱۳۸۴)، *پست‌مدرنیسم*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: قصیده‌سرا.

- Bell, David (2001), *An Introduction to Cyberspace*, London: Rutledge.
- Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007), "Social network sites: definition, history, and scholarship", *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1), pp.210-230.
- Hilberman, Jessica (2009), "Young People are Social Networking in Drove", Retrieved in <http://iipdigital.usembassy.gov/st>.
- Massari, Luisa, (2010), "Analysis of MySpace user profiles". *Information Systems Frontiers*, pp.1-7.
- Memar, Soraya, Adlipour, Samad, Khosravi, Ezzatollah (2013), "Sociological Analysis of the Relation between the Uses of Virtual Social Networks and Life Style of the Young; Case Study of Facebook and the Young of Isfahan", *Mediterranean Journal of Social Sciences*, Vol.4, No.6.
- Memar, Soraya, Khosravi, Ezzatallah, Adlipour, Samad (2012), "Typology of Iranian Youths' Religiosity in Facebook Social Network", *IJCRB*, Vol.5, No.1

- Pelling, Emma L., White, Katherine M, (2009), "The Theory of Planned Behavior Applied to Young People's Use of Social Networking Web Sites". *Cyber Psychology & Behavior*, 12(6), pp.755-759.
- Pempek, T. et al. (2009), "College students' social networking experiences on Facebook", *Journal of Applied Developmental Psychology*, 30, pp.227-238.
- Turkel, Sherry (1997), *Life on the screen: Identity in the Age of the Internet*, New York: Touchstone.
- Wellman, Barry & Quan-Hasse, Anable (2002), *How does the Internet affect social capital*. CA: University of Toronto.
- Williams, Dimitri (2006), "On and off the 'net: Scales for social capital in an online era". *Journal of Computer-Mediated Communication*, 11(2), pp.593-628.